

بیانیه وزارت امور خارجه درباره تعرض آمریکابه کشتی تجاری ایرانی:

کشتی تجاری ایرانی توسکا،ملوانان و خدمه و خانواده‌های آن را فوری آزاد کنید



وزارت امور خارجه کشورمان درباره تعرض آمریکا به کشتی تجاری ایرانی و گروگان‌گیری خدمه و خانواده‌های آنها بیانیه‌ای صادر کرد. به گزارش اقتصادسراسر آمد، متن بیانیه وزارت امور خارجه به این شرح است: «وزارت امور خارجه اقدام غیرقانونی و وحشیانه ارتش تروریستی آمریکا در حمله به کشتی تجاری ایرانی «توسکا»، که شامگاه یک‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۵ در نزدیکی سواحل ایران در دریای عمان صورت گرفت، را به شدیدترین وجه محکوم می‌کند.

این اقدام که همراه با ارباب ملوانان و خدمه کشتی و خانواده‌های آنها همراه بسوده، راهزنی دریایی و اقدامی تروریستی است که نه تنها خلاف اصول و قواعد بنیادین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل است، بلکه نمونه دیگری از نقض آشکار تفاهم آتش‌بس مورخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ و مصداق عمل تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران توجه دبیرکل سازمان ملل متحد و اعضای شورای امنیت این سازمان و نیز سازمان بین‌المللی دریانوردی را به این موضوع جلب نموده و خواستار محکومیت و واکنش قاطع و جدی نهادهای بین‌المللی و دولت‌های مسئولیت‌پذیر در قبال اقدام مجرمانه آمریکایی علیه کشتیرانی تجاری بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران ضمن هشدار نسبت به پیامدهای بسیار خطرناک این اقدام غیرقانونی و جنایتکارانه آمریکا، بر ضرورت آزادی فوری کشتی ایرانی و ملوانان و خدمه و خانواده‌های آنها تاکید می‌کند.

وزیر خارجه در دیدار بافرماندهان نیروی دریایی ارتش:

عراقچی: اقتدار رزمندگان ارتش و سپاه، پشتوانه دستگاه دیپلماسی است



وزیر امور خارجه در دیدار با جانشین فرمانده نیروی دریایی ارتش ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای ناو دنا، تاکید کرد: اقتدار رزمندگان جان‌فشان فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به وفاداری و شجاعت و بی‌وفایی دشمنان و سفاک‌تخانه‌های دلیر ایران در نیروی دریایی ارتش در ادامه راه شهیدان والا مقام ناوچه دنا برای حراست از امنیت و عزت ایران تاکید کرد.

در این دیدار، جانشین فرمانده نیروی دریایی ارتش، لوح تقدیر در یادار شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به وزیر امور خارجه تقدیم کرد و از تلاش‌های صورت گرفته توسط وزیر امور خارجه و سفرای کشورمان در کلمبو و دهلی به خاطر هماهنگی و مساعدت و بازگرداندن پیکرهای پاک شهدای عزیز ناوشکن دنا و نیز دلیرمردان ناو بشهر به کشور تشکر کرد.

وزیر امور خارجه با تشکر از حضور جانشین فرمانده نیروی دریایی ارتش در وزارت امور خارجه، یاد و خاطره فرماندهان و رزمندگان شهید ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دفاع از کبان ایران در برابر تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی را گرامی داشت و تصریح کرد: اقتدار رزمندگان جان برتف در ارتش و سپاه پشتوانه‌ای محکم برای صیانت از منافع ملی در دستگاه دیپلماسی است.

وزیر امور خارجه کشورمان همچنین یاد و خاطره شهدای سرافراز ناوشکن دنا که در جریان جنایت جنگی آمریکا در آب‌های بین‌المللی به شهادت رسیدند را گرامی داشت.



انهدام مرکز امارات از سوی ایران، در چارچوب دفاع مشروع در برابر سلاخی پنهان که سال‌ها به خشکسالی عمدی دامن زده بود، می‌توانست اقدامی موجه تلقی گردد. با این حال، همین اقدام به‌ظاهر مشروع، سیلاب‌های ویرانگر، طغیان رودخانه‌ها و بی‌گناهی هیدروپلیتیک‌بی‌سابقه‌ای را رقم می‌زند که تلفات و خسارات آن چه بسا از خود خشکسالی مصنوعی فراتر خواهد رفت. آیا قوانین جنگ می‌توانند چنین پارادوکسی را تحمل کنند؟ آیامی‌توان کشوری را به دلیل دفاع از خود در برابر سلاح اقلیمی، اما به قیمت برهم زدن توازن جوی منطقه، محکوم به پرداخت غرامت کرد؟ این پرسش‌ها هنوز پاسخ روشنی ندارند. آنچه روشن است، آنکه واقعیۀ امارات –اعم از ساخت مرکز نابودی آن– خط پایانی بر دوران ساده‌انگارانه‌ای کشیده است که در آن آب و هوا صرفاً بستری خنثی برای نبردِها فرض می‌شد. اکنون جهانیان به روشنی دریافته‌اند که هر تأسیسات تغییر اقلیم، چه مخفی چه آشکار، خود هدفی راهبردی و در عین حال مبن شناوری است که انفجار آن می‌تواند دایره‌ی آسیب را از میدان نبرد به اقلیم یک قاره بگستراند. بازنگری در پروتکل‌های ژنو، تدوین منشوری ویژه برای جنگ‌های اقلیمی و ایجاد سازوکاری برای راستی‌آزمایی تأسیساتِ بارورسازی ابر، دیگر یک پیشنهاد آکادمیک نیست، بلکه ضرورتی فوری برای جلوگیری از فروپاشی امنیت جمعی در عصر ژئوانجینیرینگ به شمار می‌رود. تا پیش از آن، جهان در وضعیتی به سر می‌برد که نه قواعد کهنه پاسخگوی معماهای تازه است و نه هیچ‌یک از بازیگران در گیر در جنگ آب‌محور معکوس، از عواقب کار خویش جز پشیمانی دیر هنگام بهره‌ای نخواهند برد.

سخن آخر آنکه: مرکز تغییر اقلیم و بارورسازی ابر در امارات که در پوشش پژوهش‌های هواشناسی، خشکسالی را چونان جنگی خاموش بر کشاورزی ایران و عراق تحمیل می‌کرد، سرانجام به دست نیروهای ایرانی در جریان جنگ با آمریکا از میان برداشته شد؛ اما آنچه به‌عنوان یک پیروزی تاکتیکی در برابر سلاخی پنهان جشن گرفته می‌شد، خیلی زود به معمایی بی‌پاسخ بدل گردید. نابودی آن تأسیسات، اگرچه قفلی را گشود که سال‌ها ابرها را از مسیر طبیعی خود منحرف ساخته بود، اما فوری را نیز رها ساخت که خشکسالی مهارشده را به سیلابی ماهر تبدیل و هرچ‌ومرچی اقلیمی تبدیل خواهد کرد. این واقعه، پرده از حقیقتی تلخ برداشت: در عصر ژئوانجینیرینگ، دیگر هیچ عملیات نظامی محدودی وجود ندارد، چراکه هر ضربه به زیرساخت‌های جوی، پیامدهایی زنجیره‌وار و فرامرزی به دنبال دارد که نه بر نقشه‌های سیاسی، نه بر معاهدات کهنه‌ی ژنو و نه بر پیمان‌های اقلیمی سستی نمی‌کنجد. آنچه امروز در آسمان غرب آسیا می‌گذرد، هشدارای است به تمام ملت‌ها و دولت‌ها: دستکاری آب و هوا، چه به قصد خشکاندن چه به قصد باراندن، شمشیری دوله‌ای است که برنده و بازنده را یکسان زخمی می‌کند. شاید اکنون زمان آن رسیده که جامعه‌ی بین‌الملل، پیش از آنکه تأسیسات مشابه دیگری در گوشه‌ای از جهان ساخته یا نابود شود، پیمانی نو برای منع کامل کاربرد تکنیک‌های تغییر اقلیم در مخاصمات مسلحانه تدوین کند؛ چراکه دیگر نه ابرها بی‌قصد حرکت می‌کنند، نه رودخانه‌ها بی‌غرض جاری می‌شوند، و نه هیچ‌گونه پیروزی در میدان نبرد، ارزش ویران کردن تعادل ظریف جویِ سیاره‌ای را دارد که تنها خانه‌ی مشترک همه‌ی ماست.

سیستم‌های پیچیده‌ی جوی به‌مثابه ابزاری خطی و یک‌سویه، آنان گمان می‌کردند با حذف ابرها از مسیر ایران و عراق، صرفاً «نیود باران» را صادر می‌کنند، غافل از آنکه مهار بلندمدتِ رطوبت، همانند فشردن یک فنر غول‌آسا عمل می‌کند. این مرکز پیش از آنکه توسط نیروهای ایرانی در جریان جنگ با آمریکا با خاک یکسان شود، نه یک تأسیسات علمی معمولی، بلکه گشودن دری به سوی عصر تازه‌ای از درگیری‌های مسلحانه بود؛ عصری که در آن جوّ زمین نه صحنه‌ای خنثی، که سربازی مطیع در اختیار طراحان جنگ به شمار می‌رفت، هنجارشکنی بنیادین در این رویکرد آنچرخ می‌داد که تغییر اقلیم برای نخستین بار نه به عنوان یک پیامد غیرعمدی نبرد، که به مثابه خود سلاح و هدف راهبردی به کار گرفته شد. سازندگان آن مرکز با مهندسی خشکسالی مصنوعی بر فراز زاگرس و بین‌النهرین، تابویی تاریخی را شکستند: آن‌ها می‌خواستند ثابت کنند که می‌توان باران را دزدید، ابرها را منحرف ساخت و سرزمینی را بدون شلیک یک گلوله، از طریق گرسنگی آبی به زانو درآورد. اما آنچه این هنجارشکنی را به تراژدی بدل ساخت، وارونگی ناگهانی آن پس از انهدام تأسیسات بود. نابودی مرکز توسط ایران، خشکسالی خصمانه را به سیلاب برگشتی تبدیل کرد و بدین سان، قواعد بازی را بار دیگر جابه‌جا نمود. این وارونگی، پرده از معمای پیچیده‌ی امنیت جمعی در عصر ژئوانجینیرینگ برداشت. در گذشته، فرض بر این بود که عملیات ضربه‌زنده علیه تأسیسات دشمن، خواه نظامی خواه زیرساختی، پیامدهایی قابل‌پیش‌بینی و عمدتاً محدود به همان دشمن به همراه دارد. اما در جنگ اقلیمی، چنین تصویری سست‌ترین مینا را می‌یابد. انهدام مرکز امارات نشان داد که یک اقدام به‌ظاهر دفاعی –توقف منبع خشکسالی مصنوعی– می‌تواند چنان شوکی به سیستم‌های جوی وارد آورد که دایره‌ی آسیب‌پذیران از مرزهای ایران و عراق فراتر رفته و تمام کشورهای همجوار را دربرگیرد. عربستان، کویت و حتی جنوب ترکیه نیز به زودی با الگوهای بارشی بی‌سابقه و بی‌ثباتی هیدرولوژیک روبه‌رو خواهند شد. بدین سان، یک عملیات محلی و متمرکز، می‌تواند تمام معادلات هیدروپلیتیک غرب آسیا را در هم بریزد.

ماجرای این مرکز و انهدام آن توسط ایران، جامعه‌ی جهانی را با پرسشی بی‌پاسخ رها کرده است: آیا تأسیساتی که ابرها را می‌ربایند و خشکسالی می‌کازد، در دسته‌ی اهداف نظامی مشروع جای می‌گیرد؟ و اگر چنین است، آیا تخریب آن نیز مشمول قواعد بشر دوستانه‌ی بین‌المللی خواهد بود یا به دلیل ماهیت اقلیمی‌اش، قواعدی دیگر می‌طلبد؟ کنوانسیون‌های ژنو

و پروتکل‌های الحاقی آن، اگرچه استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی مؤثر در ایجاد آسیب‌های گسترده، پایدار و شدید به محیط طبیعی را منع می‌کنند، اما در مورد «تغییر اقلیم به مثابه سلاح» سکوتی سنگین و تأمل‌برانگیز دارند. ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی، حمله به تأسیسات خطرناک نظیر سد‌ها و دیوارهای را ممنوع ساخته، اما تأسیسات بارورسازی ابر یا مهندسی فعال جوی را در هیچ رده‌ای طبقه‌بندی نکرده است. این خلأ حقوقی، آن مرکز پنهان در امارات را به منطقه‌ای خاکستری تبدیل کرده بود که در آن، نه طراحان خشکسالی مصنوعی قابل تعقیب بودند و نه حتی نابودکنندگان آن از منشور قوانین موجود می‌توانستند بر مشروعیت عمل خود پای بفرشانند. پیچیدگی موضوع از آنجا فزونی می‌گیرد که در این نوع مخاصمات، مرز میان «پاسخ به تجاوز» و «ایجاد فاجعه‌ی اقلیمی ثانویه» به کلی محو می‌شود.

«سر آمد» بررسی می‌کند؛

خشکسالی مهندسی شده امارات برای ایران!

قصه‌ی مرکز تغییر اقلیم و بارورسازی ابر در امارات که ابرها را گروگان می‌گرفت

مرزن، ظرف تنها چند هفته به بارش های بسیار مطلوب، تبدیل خواهد گردید. هر بارندگی که پیشتر در بیابان‌های خالی از سکنه هدر می‌رفت، اینک با چنان شدتی بر شهرهای مختلف ایران و عراق فرومی‌ریزد که آمار یک‌صد ساله‌ی اقلیمی را درهم خواهد شکست. مهم‌تر آنکه، دیگر الگوی فصلی بارش نیز از میان رفته و باران‌ها به جای تمرکز در زمستان و بهار، هر هفته با نظمی مکانیکی، گویی موتور جوی تازه‌ای روشن شده، سرازیر می‌شوند. در این شرایط، مفهوم «فصل خشک» به کلی از اطلس اقلیمی منطقه حذف گردیده و زمینی که روزگاری تشنه بود، اکنون از سیری اجباری به التهاب خواهد افتاد

اگر پیشتر مرکز مخفی امارات به عنوان یک شیر فشارشکن معکوس عمل می‌کرد که رطوبت را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌ساخت، نابودی آن توسط ایران معادل برداشتن ناگهانی سدی نامرئی در ارتفاع دانسته می‌شود. برای درک ابعاد این رویداد، می‌توان مدلی ساده از «وارونگی اقلیمی» در حوضه‌ی آبریز دجله و فرات ترسیم نمود. در حالت پیش از انهدام، عملیات بارورسازی اجباری سه اختلال پایدار ایجاد کرده بود: نخست، کاهش ضریب رواناب مؤثر در سرچشمه‌های زاگرس؛ دوم، افت رطوبت نسبی خاک در لایه‌های سطحی تا عمق دو متر؛ و سوم، تغییر در الگوی بارهای غریبی به گونه‌ای که پشته‌های پر فشار مانع از نفوذ جبهه‌های سرد باران‌زا می‌شدند. با حذف یکبارم‌ی این اختلالات، سیستم اقلیمی وارونه واکنش نشان خواهد داد. در مدل‌سازی انجام‌شده بر پایه‌ی داده‌های این سناریو، سه مرحله‌ی مشخص قابل تشخیص است: مرحله‌ی اول (هفته‌های نخست پس از انفجار تأسیسات) با «سبیل تکانشی» همراه خواهد بود که حاصل رها شدن ناگهانی رطوبت انباشته‌شده در جوّ فزانی منطقه است. مرحله‌ی دوم (ماه‌های دوم تا سوم) شاهد «بازتظیم دینامیک جبهه‌ها» خواهد بود؛ جایی که سیستم اقلیمی تلاش می‌کند تعادل جدیدی با مرزهای جغرافیایی طبیعی بیابد. مرحله‌ی سوم اما عمیق‌ترین پیامد را به همراه خواهد داشت: «نوسان پایدار وارونه» که در آن بارش‌های هفتگی به جای کاهش، تثبیت خواهند شد. این پدیده شگفت‌انگیز نشان می‌دهد که حذف منبع مهار، نه تنها جریان عادی ابرها را احیا کرده، بلکه به دلیل بازخورد مثبت رطوبت خاک و افزایش تبخیر و تعرق از سطح زمین‌های تازه سبل زده، چرخ‌های جدیدی از بارش‌های خودتندویه‌کننده راه خواهد برد. انداختن، به عبارت فنی، اقلیم منطقه از حالت «اجبارشده به خشکی» به «رهایی مرطوب‌ناپایدار» جهش یافته و این جهش، الگوی هزاران ساله‌ی جوی خاورمیانه را برای همیشه بازنویسی خواهد کرد. آنچه ایران با نابودی آن مرکز پنهان به دست آورد، نه بازگشت به وضعیت عادی، که ورود به عصر تازه‌ای از آشوب اقلیمی بود؛ عصری که در آن دیگر نه می‌توان بر ابرها اعتماد کرد، نه بر بستر رودخانه‌ها.

تحلیل هنجارشکنی در استفاده از تغییر اقلیم به‌عنوان ابزار جنگ

طراحان مرکز تغییر اقلیم و بارورسازی ابر در امارات هرگز پیش‌بینی نمی‌کردند که روزی همان تأسیساتی که با دقت تمام برای اعمال خشکسالی مصنوعی بر ایران و عراق مهندسی شده بود، نه فقط از کار بیفتد، بلکه معادله‌ی قدرت را به ضرر خودشان ورق بزند. انهدام این مرکز توسط نیروهای ایرانی در جریان جنگ با آمریکا، اگرچه در نگاه نخست یک پیروزی تاکتیکی چشمگیر در میدان نبرد علیه سلاح پنهان دشمن به شمار می‌رفت، اما به‌زودی روشن ساخت که در عرصه‌ی جنگ‌های اقلیمی، نابودی یک منبع مهارکننده می‌تواند همانقدر ویرانگر باشد که خود آن سلاح. خطای راهبردی طراحان آن تأسیسات در یک نقطه خلاصه می‌شد: تصور نادرست از رفتار

گروه – مرتضی فاخری – در دل بیابان‌های امارات، تأسیساتی فراتر یک ایستگاه تحقیقاتی هواشناسی، در پوشش علمی به‌ظاهر صلح‌آمیز بارورسازی ابرها، آرام و بی‌صدرا گ‌های حیات کشاورزی دو کشور ایران و عراق را هدف گرفته بود. آنچه «مرکز تغییر اقلیم و بارورسازی ابر» خوانده می‌شد، در واقع اتاق جنگ آب‌محوری بود که خشکسالی سال‌های اخیر در غرب آسیا حاصل مهندسی معکوس باران‌ها و نه صرفاً کالطفی طبیعت به شمار می‌رفت. اما در میانه درگیری‌های نظامی میان ایران و آمریکا، خبری ناگهانی توازن منطقه را در هم ریخت: نیروهای ایرانی با عملیاتی دقیق و غافلگیرکننده، این مرکز را یکسره نابود کردند. انهدامی که نه یک ضربه تاکتیکی ساده، بلکه گشودن قفلی بود که سال‌ها جریان ابرهای باران‌زا را به بیراهه می‌رستاد. بلافاصله پس از این رویداد، چهره آب و هوای منطقه دگرگون شد. عراق و ایران که ماه‌ها با غبار و تشنگی دست و پنجه نرم می‌کردند، ناگهان شاهد بارش‌های مناسب و کاهش پنج درجه‌ای دما شدند. خشکسالی که حاصل دستکاری عمدی رطوبت جوی بود، جای خود را به فوری ناخواسته از آب داد. سیل‌های قابل توجه که زمین‌های خشک و ترک خورده را به باتلاق‌هایی غیر قابل سکونت بدل کرده بودند. این وارونگی کامل اقلیمی ضمن آنکه معادلات امنیت غذایی را بر هم می‌زد، تصمیم‌گیران ایرانی را ناگزیر به شتاب‌بخشی به اقدام اجرایی طرح‌های سبز و بهینه‌سازی فضای شهری می‌نماید؛ شهرهایی که اکنون با کمبود آب، که بـا تهدید فراقری روزافزون روبه‌رو هستند. آنچه رخ نموده، نه یک پیروزی معمولی در میدان نبرد، بلکه ورود به عصر تازه‌ای از جنگ‌های اقلیمی است؛ جنگی که در آن ویران کردن یک تأسیسات دشمن می‌تواند سیل‌ها را از قفس بگریزند، مرزهای جغرافیای طبیعی را بازنویسی کند و ثابت نماید که دیگر هیچ اِیسری بر فراز خاورمیانه بی‌قصد و غرض حرکت نمی‌کند.

» واکنش زنجیره‌ای اقلیم» از بارورسازی ابر اجباری تا طغیان معکوس رودخانه‌ها

پیش از انهدام مرکز مخفی بارورسازی ابر در امارات توسط ایران در جریان جنگ اخیر با آمریکا، این تأسیسات که در پوشش پژوهشی بی‌آزار تغییر اقلیم فعالیت می‌کرد، نقش کلیدی در بازآرایی جبهه‌های بارشی غرب آسیا ایفا می‌نمود. داده‌های میدانی فرضی موجود در سناریوی موردبحث حاکی از آن است که این مرکز با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته‌ی بارورسازی اجباری شامل پاشش مواد هیگروسکوپیک در لایه‌های میانی و فوآنی تروپوسفر، قادر بود ابرهای باران‌زای مدیترانه‌ای و سودانی را پیش از رسیدن به آسمان ایران و عراق، در ارتفاع مهار کرده و اادار به تخلیه‌ی زود هنگام بارش در مناطق بیابانی و آب‌های آزاد نماید. این دستکاری پایدار در چرخه‌ی طبیعی رطوبت، سطح پای یک «حباب خشکی فعال» بر فراز زاگرس و دشت‌های بین‌النهرین ایجاد کرده بود. اما لحظه‌ی نابودی ناگهانی آن تأسیسات، همه‌ی معادلات جوی را یکباره دگرگون ساخت. با حذف منبع بازدارنده، دیگر هیچ سامانه‌ای در مسیر ابرها مانع حرکت آن‌ها به سوی شرق نبود. جبهه‌های بارشی که سال‌ها در قفس مهندسی شده‌ای گرفتار آمده بودند، ناگهان آزاد شدند. این آزادسازی ناگهانی، پدیده‌ای را رقم زد که می‌توان آن را «سرریز رطوبت مهارشده» نامید: حجم غلظتی از بخارآبی که در طول سال‌ها به دلیل دخالت بیرونی، فرصت باریدن در جایگاه طبیعی خود را نیافته بود، اکنون به صورت انباشته و شتابان، همه‌ی حوضه‌های غربی ایران و شرق عراق را درنور خواهد دید. نتیجه آن خواهد شد که خشکسالی مصنوعی و

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش:

تلاش برای پایداری اقتصادی جزیره کیش در شرایط پسا جنگ



مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش طی روزهای اخیر در دیدارهایی با مسئولان کشوری در تلاش است تا تامین مالی برای مدیریت فضای کسب و کار و فعالیت صنوف مختلف به خصوص بخش گردشگری، رونق اقتصادی به جزیره کیش برگردد.

به گزارش اقتصادسراسر آمد،محمد کبیری در سفر کاری به تهران در سه دیدار مجزا با محسن حاجی میرزایی رئیس دفتررییس جمهور، سیدعلی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی و محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی رییس جمهور در خصوص راه‌های رونق اقتصاد کیش و توسعه کسب و کار در این جزیره را به رایزنی پرداخت.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در این دیدارها با ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده در جزیره کیش در دوره قبل و حین جنگ و تمهیدات پیش‌بینی شده برای مواقع بحران، از برنامه‌ریزی برای بازگشت جزیره کیش به شرایط عادی با جذب سرمایه گذار و راهکارهای حمایتی برای کسب و کارهای خرد خبر داد.وی با بیان اینکه در دوره جنگ تمحیلی جاری، با مدیریت شرایط و همکاری گم‌رک روند تردد دریایی کیش تسهیل شد، افزود: در این ایام موضوع پایداری کیش و خدمات دهی به ساکنان به عنوان دستور کار تمامی معاونان و مدیران بوده و شرایط به خوبی مدیریت شد.کبیری اضافه کرد: با اقدامات انجام شده و به مدد همدلی همه نهادهای بخش خصوصی و دولتی با صبوری کیشوندان، جزیره کیش از این دوره با کمترین اختلال در نظام خدمات دهی گذر کرد.

وی در این نشست‌ها با اشاره به لزوم حمایت از کسب و کارها به منظور بازگشت به چرخه فعالیت اقتصادی اظهار کرد: با توجه به اینکه اقتصاد کیش وابسته به حضور گردشگران است، تامین نقدینگی و ارائه تسهیلات حمایتی به کیشوندان و گردشگران برای ایجاد رونق در جزیره کیش یک ضرورت است.مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش همچنین گفت: در این خصوص در تلاش هستیم تا با حمایت مسئولان کشور و همکاری نهادهای مالی، اقداماتی انجام دهیم تا کسب و کارها در کیش رونق گرفته و با آغاز تردد هوایی، فعالیت اقتصادی در کیش بل محوریت صنعت گردشگری رونق بگیرد.